

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

انینه ایران

بهرام رحمانی  
۲۱ فبروری ۲۰۱۳

## حکومت اسلامی ایران،

### عامل اصلی تولید کننده خشونت در جامعه است!

۲

رئیس سازمان بازرسی کل کشور، ظاهراً با افشای روابط پشت پرده اختلاس گران اعلام کرده است که بیش از ۱۰۰ نامه در مورد قانون شکنی بانک ها به رئیس جمهور داده ایم و مجموعه عملکرد اختلاس گران در سه بانک تات، گردشگری و آریا نشانگر حمایت دفتر رئیس جمهور از آن ها است.

به گزارش فردا، حجة الاسلام پورمحمدی رئیس سازمان بازرسی کل کشور در این جلسه بیش از ۱ ساعت سخنرانی و موارد متعددی را مطرح کرده است. او، هم چنین تأکید کرده است که موضوعات این قانون شکنی ها و تخلفات مالی را افساء نکردیم چون نمی خواستیم به نظام لطمه وارد کنیم. به گزارش فارس، رئیس سازمان بازرسی هم چنین به موضوع معرفی اختلاس گران توسط مشائی اشاره کرده بود و اعلام کرد که پس از دریافت نامه معرفی، تأکید کردیم که سیر قانونی اصل ۴۴ باید در مورد واگذاری شرکت فولاد رعایت شود.

هم چنین به گزارش خبرگزاری حکومتی مهر، رئیس سازمان بازرسی کشور در ارائه گزارش خود به نمایندگان مجلس از برخی توصیه نامه های دولت مردان برای تسهیل فعالیت عامل اختلاس ۳۰۰۰ میلیاردی خبر داد که این اقدام واکنش کوچک زاده نماینده حامی دولت را در جلسه غیر علنی مجلس برانگیخت.

احمد توکلی، رئیس مرکز پژوهش های مجلس با حضور در جمع خبرنگاران با اشاره به پرونده اختلاس ۳ هزار میلیاردی و با بیان این که در همین اختلاس بزرگ فردی در دهه ۸۰ با داشتن یک گاوداری به جایی می رسد که ۳۸ شرکت تأسیس کرده، ۳۸ کارخانه دارد و ۱۸ پروژه در حال اجراء نیز در اختیار گرفته است، افزود: وقتی این اختلاس واقع می شود و ابعاد رسوائی زیادی با این عظمت دارد، اتفاق بعدی این است که اعتماد مردم به نظام بانکی، نظام اقتصادی و مسؤولان دولتی کاهش پیدا کرده و در بهره وری و کاهش سرمایه گذاری نیز تأثیر می گذارد.

توکلی، با اشاره به گزارش چند سال قبل سازمان شفافیت بین المللی، گفت: در یک گزارش وضعیت فساد در ایران را گزارش کرد که رقمی معادل ۳۴ میلیارد دالر بود؛ ۳ میلیارد دالر از این رقم به دلیل فراری دادن سرمایه گذاری بود و ۳۱ میلیارد آن به دلیل کاهش بهره وری بود.

او، اضافه کرد: وقتی در دولت کسانی هستند که احمدی نژاد دور آن ها خط قرمز می کشد و اجازه نمی دهد که قوه قضائیه وظیفه قانونی خود را انجام داده و به پرونده آن ها رسیدگی کند، معلوم است که افراد بی سر و پا این طور طمع می کنند که ۷ بانک را به هم بدوزند.

در دولت های پیشین نیز همین فساد اقتصادی وجود داشت. برای مثال، بزرگ ترین پرونده مفاسد اقتصادی هم زمان با دولت رفسنجانی (سردار سازندگی؟)، پرونده اختلاس ۱۲۳ میلیاردی از بانک صادرات بود که متهمان اصلی آن مرتضی رفیقدوست و فاضل خداد بودند. مرتضی، برادر رئیس وقت بنیاد مستضعفان محسن رفیقدوست بود. غلامحسین کرباسچی، در اواسط دهه ۷۰ به عنوان شهردار تهران، به اتهام اختلاس به پای میز محاکمه رفت. در تاریخ ۷۷/۱/۱۵ بود که شهردار تهران به اتهام اختلاس بازداشت شد.

اختلاس مبلغ ۶۰۰/۲ میلیارد ریال به نفع کارگزاران سازندگی، اختلاس مبلغ ۲۵۰ میلیون ریال به نفع تاجران و تقوی منش، اختلاس مبلغ ۷۰ میلیون ریال به نفع شخصی، اختلاس مبلغ ۹۰ هزار دلار امریکائی به نفع نمایندگی جمهوری اسلامی ایران در سازمان ملل متحد و مبلغ ۵۰۰ میلیون ریال به نفع تعدادی از مدیران وزارت کشور و به نفع شخصی، اختلاس مبلغ ۶۰۰ میلیون ریال به نفع عظیمی نیا- صفی نیا و تزییع اموال و تصرفات غیرمجاز و غیرقانونی در وجوه شهرداری به مبلغ، ۳۵ میلیارد و ۹۱۱ میلیون ۴۸۱ هزار و ۹۰۰ (۳۵۹۱۱۴۸۱۹۰۰) ریال.

شهرام جزایری، که فعالیت خود را از دست فروشی شروع کرده بود در سال ۸۱ و در سن ۲۹ سالگی به اتهام اختلاس دستگیر شد. ایجاد و تأسیس حدود ۵۰ شرکت مختلف بازرگانی، برداشت ۳۸ میلیارد و ۱۰ میلیون ریال به دفعات مختلف و پرداخت آن به اشخاص به عنوان رشوه و... تبانی در معاملات دولتی، مسؤلان بانک ها، تسهیل و دریافت ارز، عدم به کارگیری تسهیلات در امر صادرات و واردات، تهیه پیمان نامه ها و اخذ مقادیر قابل توجهی از این طریق از جمله کیفرخواست نماینده مدعی العموم بود. در جریان این اختلاس ها بود که مشخص شد بسیاری از مسؤلین و مقامات سیاسی از جمله نمایندگان مجلس و آفازاده ها از جزایری رشوه گرفته بودند. شهرام جزایری، در این دادگاه به ۲۷ سال حبس محکوم گردید.

پس از این واقعه یک سناریوی جالبی در رابطه با جزایری در رسانه های حکومت مطرح شد. روزنامه ها نوشتند جزایری که در ۲ اسفند ۸۵ موفق به فرار شده بود، در ۲۷ اسفند همان سال توسط مأموران در یکی از روستاهای عمان شناسائی و دستگیر و در روز ۲۸ اسفند به ایران بازگردانده شد؟! جالب تر این که او، بعد از بازگشت به ایران در حکمی مجدد به ۱۱ یازده سال حبس تعزیری، رد مبلغ ۴۸ میلیون و ۶۰۰ هزار و ۱۸۵ دلار امریکا به بانک ملی ایران و صندوق ضمانت صادرات، پرداخت جزای نقدی معادل دو برابر مبلغ فوق الذکر (۹۷ میلیون و ۲۰۰ هزار و ۳۷۰ دلار امریکا) به صندوق دولت جمهوری اسلامی ایران و محرومیت از فعالیت بازرگانی در بخش صادرات و واردات و نیز محرومیت از اخذ هرگونه تسهیلات بانکی اعم از ریالی و ارزی به مدت ده سال محکوم شد. ناگفته نماند که شهرام جزایری، به عنوان کارشناس اقتصادی در جلسات کمیسیون اقتصادی مجلس شرکت می کرد و کارت ویژه داشت.

عباس کوتول، که در جریان اختلاس فرودگاه پیام متهم شد، فعالیت تجاری خود را از سیگارفروشی شروع کرد. پرونده او همزمان با جریان استات اوپل در رسانه ها مطرح و جنجال ساز شد. او، در سال ۸۱ اقدام به تشکیل و هدایت باندی از کارکنان گمرک و فرودگاه کرد که با کوتاه ترین زمان بتواند کالاهای قاچاق خود را از گمرکات مختلف به ویژه گمرک فرودگاه پیام ترخیص و در سطح شهر توزیع کند. نام برده با اجازه روزانه ۲-۳ فروند هواپیمای ۱۵ تنی و یک فروند هواپیمای یک تنی از فرودگاه پیام، بدون ارزیابی و بازرینی گمرک و با تبانی تعدادی از مقامات گمرکی اقدام به ورود کالاهای قاچاق در سطح گسترده می کرد.

سرانجام پس از ماه‌ها کش و قوس، حکم نهائی «عباس تقی زاده»، مشهور به عباس کوتول صادر شد. بر اساس اعلام رسمی مجتمع قضائی امور اقتصادی (مجتمع قضائی تخصصی مفاسد اقتصادی) عباس تقی زاده فرزند میرزا علی از لحاظ پرداخت رشوه به سه سال حبس تعزیری، سه سال اقامت اجباری در طبرس و سه سال محرومیت از هرگونه واردات و صادرات و مراجعه به گمرکات کشور و ضبط کلیه اموال و وجوه حاصل از ارتشا و پرداخت چند ده میلیارد تومان در حق گمرک و صندوق دولت محکوم شد.

فردی به نام «محمدرضا»، که گفته می‌شود خانواده اش در زندگی اشرافی به سر می‌برند، همان سلطان شکر ایران است. او، تنها مختلسی است که در زندان نیست و در خارج از زندان در تلاش برای پرداخت دیون خود است، با همکاری یک مدیر توانمند، کارخانه‌های قند و شکر را با چک‌های مدت‌دار خریداری و از سهمیه کارخانه‌ها برای واردات شکر استفاده می‌کردند و چک‌های خود را پاس نمی‌کردند که سرانجام در نتیجه وصول نشدن چک‌ها کارشان به دادگاه می‌کشید. اما ماجرا به این جا ختم نشد و این افراد قبل از فرارسیدن موعد دادگاه خود دست به اقدامات جالبی در زمینه اختلاس می‌زنند.

این شخص با تصاحب و خرید و فروش اراضی دولتی و نیز با جعل اسناد دولتی و تبانی، میلیاردها تومان اراضی را فروخته یا خریداری کرده است. در تحقیقات بعدی گویا فردی با نام مستعار «شمس» شناسائی و دستگیر شد. در تحقیقات از او نتایج روشنی به دست آمد. گویا آن‌ها املاک رها شده را خریداری می‌کردند. سلطان شکر ابتداء اراضی و املاکی را که صاحبان آن‌ها بعد یا قبل از انقلاب یا در زمان جنگ، رها کرده و به خارج رفته بودند را شناسائی می‌کرد و سپس با وکالت نامه‌های جعلی منسوب به وارث صاحبان اراضی و با تبانی آن‌ها را به طور غیرقانونی خرید و فروش می‌کرد.

در این میان «محمدرضا»، اقدام به خرید کارخانجات شکر، مسائل مربوط به کارخانه قند دزفول، واردات شکر خام، پرداخت گمرکی و نحوه ترخیص واردات مواد اولیه و دیگر مسائل مربوط به آن کرد. به گفته یکی از نمایندگان مجلس، سلطان شکر ایران با دریافت میلیاردها تومان تسهیلات بانکی از محل وام‌های بحران که سود چهاردرصد دارد یا اصلاً هیچ سودی به آن تعلق نمی‌گیرد، بسیاری از کارخانه‌های شکر را خریده است. او پس از چند ماه با اعلام ورشکستگی و اخراج کارگران با تغییر کاربری محل، به برج‌سازی در کارخانه‌ها اقدام کرده و از این راه میلیاردها تومان ثروت دیگر به جیب می‌زد. جالب این‌جاست که گفته می‌شود او در بازداشت به سر نمی‌برد و با انجام فعالیت تجاری قصد جبران خسارت را دارد.

هم‌چنین در خبرها و گزارشات رسانه‌های حکومتی آمده است که یک لیست صد نفره در دست است که جمعاً نزدیک به ۲۰ میلیارد دالر به بانک‌ها بدهکارند و هیچ‌یک از بدهکاران هم خیال ندارند آن را بازپس دهند. به علاوه گفته می‌شود که اغلب این بدهکاران به بانک‌ها، با معرفی و توصیه مستقیم دولت از بانک‌های کشور این وام‌های کلان را گرفته‌اند و...

هم‌زمان با درخواست «استعفای رئیس جمهور» از سوی رئیس مرکز پژوهش‌های مجلس، به علت «مشارکت دولت در اختلاس ۳ هزار میلیارد تومانی»، روزنامه ایران از وجود بیش از ۱۴۰ هزار سند از ۳۱۴ مقام جمهوری اسلامی خبر داده که به زودی منتشر خواهد شد.

به تازگی روزنامه‌های حکومتی و نیمه حکومتی جهان صنعت، مردمسالاری، خراسان، جمهوری اسلامی و شرق خبر داده‌اند که برای نخستین بار رئیس دیوان محاسبات محمود احمدی نژاد را مسؤول تخلفات گسترده از جمله تخلف ۱۲ هزار میلیارد تومانی معرفی کرده و گفته «تخلفات رئیس دولت، هم چنان ادامه دارد.»

به گزارش روزنامه جهان صنعت، عبدالرضا رحمانی فضل‌ی رئیس دیوان محاسبات، بازوی نظارتی مجلس شورای اسلامی، «برای اولین بار» شخص محمود احمدی نژاد را خطاب قرار داده و گفت است «با جرأت می توانم بگویم در سطح رئیس دولت و هیأت دولت تخلفات هم چنان ادامه دارد.»

این روزنامه نوشته که «برداشت ها و پرداخت ها به حساب ذخیره ارزی، اجرای ناقص قانون هدف مندرکدن پارانه ها، عدم واگذاری مناسب در اصل ۴۴، و جابه‌جائی و عدم کسب درآمدها» از جمله مواردی است که «بارها رئیس دیوان محاسبات به عنوان تخلفات دولت از آن یاد کرده است» اما عبدالرضا رحمانی فضل‌ی، به صراحت رئیس دولت را به عنوان یکی از مقام های ارشدی که هم چنان به تخلفات خود ادامه می دهد معرفی کرده و گفته «یکی از این تخلفات، درآمد نفتی ۱۲ هزار میلیارد تومانی دولت بود که به حساب ذخیره ارزی واریز نشد و پس از گزارشات دیوان محاسبات در کمیسیون های مجلس مورد بررسی قرار گرفت و در نهایت مجلس به این گزارش رأی مثبت داد و این موضوع به قوه قضائیه ارجاع شده است.»

به نوشته جهان صنعت، عبدالرضا رحمانی فضل‌ی، رئیس دیوان محاسبات، هم چنین گفته «با وجود تذکرات پی‌درپی و گزارشاتی که به مجلس می دهیم هم چنان تخلفات قانونی ادامه دارد» و «دولت همیشه توجیه خاص خود را دارد، توجیحاتی که از نظر ما قابل قبول نیست.»

این روزنامه، از قول رئیس دیوان محاسبات درباره «عدم واریز ۱۲ هزار میلیارد تومان از درآمد نفتی دولت به حساب ذخیره ارزی» نوشته «جوابی که دولت می دهد این است که کسری بودجه داشتیم و ۱۲ هزار میلیارد را هزینه کردیم، اما پاسخ ما این است که باید لایحه متمم به مجلس می دادید و چون ندادید تخلف کرده اید.»

به نوشته روزنامه مردمسالاری، عبدالرضا رحمانی فضل‌ی، با تأکید بر عدم واریز ۱۲ هزار میلیارد تومان از درآمد نفت به حساب ذخیره ارزی و هزینه بدون آن از سوی دولت، گفته که «حدود چهار میلیارد دالر معوض نفتی داریم. به این میزان نفت خام صادر و فرآورده وارد شده است که این کار نیز به دلیل عدم رعایت قانون، بی انضباطی مالی است.»

رحمانی فضل‌ی، هم چنین برداشت های انجام شده برای پرداخت یارانه نقدی از بانک مرکزی را نیز بی انضباطی مالی برشمرد و گفته «در کنار این موارد، تخصیص های نامناسب، عدم رعایت اولویت ها در تخصیص ها و توزیع نامناسب منابع از جمله مواردی است که در قالب تفریغ بودجه به عنوان موارد عدم رعایت قانون و به تبع آن به عنوان بی انضباطی مالی ذکر شده است.»

روزنامه شرق، در عین حال گزارش داده که همایش «پیشگیری و مبارزه با فساد» روز بیستم آذر در سازمان بازرسی کل کشور و با حضور مسؤولان قضائی در حالی برگزار شد که «متن و حاشیه این همایش تحت تأثیر اختلاس ۱۳ رقیمی اخیر قرار گرفت؛ اختلاسی که سه ماه از افشایش گذشته و دلیل طولانی شدن روند رسیدگی به آن حجم و ابعاد گسترده این پرونده اعلام شده است.»

اخیراً محمد علی نجفی، عضو شورای شهر تهران، اظهار داشت که بخشی از پول شهرداری در دوره شهرداری محمود احمدی نژاد صرف انتخابات شده بود. عضو شورای شهر تهران، گفت: «بخش عمده ای از ۳۲۰ میلیارد تومان هزینه فاقد سند در شهرداری تهران در دوره شهرداری محمود احمدی نژاد در مواردی به جز موضوع های تعیین شده در شهرداری هزینه شده است.»

به گزارش خبرگزاری ایلنا، او افزود که این مبلغ به خصوص در ارتباط با انتخابات ریاست جمهوری در سال ۸۴ و ایام قبل و بعد از آن انتخابات هزینه شده است.

از زمانی که محمود احمدی نژاد در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۴ به پیروزی رسید، بارها موضوع ۳۲۰ میلیارد تومانی که در دوره شهرداری او بین سال ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۴ هزینه شده بود، مطرح شده است؛ ۳مبلغی که به گفته منتقدان، بدون سند هزینه شده اند.

از جمله خبرگزاری ها در تیرماه [سرطان] سال ۸۵، به نقل از نادر شریعتمداری، عضو شورای شهر تهران، نوشتند: «۳۰۰ میلیارد تومان از پول شهرداری تهران در زمان تصدی آقای احمدی نژاد گم شده و سندی در دست نیست.» پس از آن، معاون مالی محمد باقر قالیباف، شهردار فعلی تهران، در اردیبهشت سال ۸۶، محمود احمدی نژاد را به مفقود کردن ۳۰۰ میلیارد تومان از بودجه شهرداری تهران در آستانه انتخابات ریاست جمهوری متهم کرد. پرونده ۳۰۰ میلیارد تومان، حتی در مناظره تلویزیونی مهدی کروبی با محمود احمدی نژاد در جریان انتخابات ریاست جمهوری سال ۸۸ مطرح شد.

از فسادهای مالی احمدی نژاد و همراهانش در زمان استانداری اردبیل، شهرداری تهران و ریاست جمهوری نهم پرده بر می داشت. صادق محصولی، سردار فساد اقتصادی، ادامه فساد مالی و رانت خواری به دوران استانداری محمود احمدی نژاد در اردبیل بازمی گردد. آن هنگام که او استاندار استان تازه تأسیس اردبیل بود و این فرصت را برای صادق محصولی فراهم آورد تا در یک قرارداد نفتی میلیاردها تومان درآمد کسب کند و بخشی از آن را به حساب های شخصی خود منتقل کند. اسماعیل گرامی مقدم، نماینده سابق مجلس و عضو شورای مرکزی حزب اعتماد ملی در روزهای نزدیک به انتخابات ۸۸ که احمدی نژاد تیر اتهام را به سوی همگان روا داشته بود، درباره این پرونده گفته بود: «آقای احمدی نژاد به عنوان استاندار اردبیل کمک غیرقانونی کرده بودند در این که مزایده سوآپ به اسم آقای محصولی و دوستانشان دربیاید و از منافعی که آن جا دارند بیش ترین بهره برداری را داشته باشند. در آن زمان آقای صادق محصولی یک سپاهی بودند که هیچ چیز نداشتند و با رانت آقای احمدی نژاد به این ثروت رسیدند.» این پرونده در بایگانی سازمان های نظارتی به فراموشی سپرده شد و آن گونه که گرامی مقدم روایت کرده «با فشار احمدی نژاد گم شده است.»

صادق محصولی، وزیر «ده میلیارد دالری» کابینه است. محصولی که در دولت احمدی نژاد هم وزیر کشور شد و هم وزیر رفاه، از سرداران سابق سپاه است که در حلقه موسوم به «ارومیه» با احمدی نژاد همراه شده است. او، با بهره گیری از رانت های دولتی در غرب کشور به ثروتی میلیاردی دست یافت. گزارش های متعددی از خرید و فروش زمین های در اختیار سپاه در جماران توسط محصولی منتشر شده که بیش از پیش حساب بانکی او را سنگین کرده است.

احمدی نژاد، در نخستین دوره حضور خود در رأس قوه مجریه صادق محصولی را برای تصدی وزارت نفت به مجلس معرفی کرد اما نمایندگان مجلس پیش از آغاز رأی اعتماد در باره ثروت میلیاردی و تخلف های مالی محصولی تذکر دادند تا محصولی و احمدی نژاد هر دو از تصمیم خود منصرف شوند. البته محصولی چندی بعد جانشین کردان، وزیر کشور متوفی که مدرک دکترایش تقلبی بود و پرونده مالی اش در صدا و سیما به سرانجام نرسیده بود، شد و در دولت دهم هم بر رأس وزارتخانه رفاه و تأمین اجتماعی نشست.

اختلاس های میلیاردی در تربیت بدنی و علی آبادی یکی دیگر از پرونده های فساد مالی در دوران احمدی نژاد در سازمان تحت مدیریت علی آبادی رخ داد. رئیس سازمان تربیت بدنی که در مجلس برای هیچ یک از وزارتخانه ها نتوانست رأی اعتماد مجلس نشینان را به دست آورد، در دوران حضورش در تربیت بدنی «علیرضا مددی»، برادرزاده داوود مددی وزیر اسبق رفاه را به مدیریت تربیت بدنی در تهران گمارد. علیرضا مددی زاده، به همراه فرزند یکی از مدیران سازمان تربیت بدنی، یعنی فرزند علی آبادی، در تربیت بدنی تهران نزدیک به ۸۰ میلیارد تومان اختلاس

کردند. اگر چه این پرونده نیز چون دیگر پرونده های تخلفات مالی دولت نهم و نزدیکان احمدی نژاد در بایگانی سازمان های بازرسی و مجلس باقی ماند اما یحیی زاده رئیس کمیته تحقیق و تفحص مجلس یک سال قبل به رسانه ها گفته بود: در بررسی این پرونده به نکات خوبی رسیده ایم. او همان زمان گفته بود: برخی با واسطه تراشی و فشار و تهدید می خواهند مانع از تحقیق و تفحص در این پرونده شوند. همان زمان پایگاه اینترنتی جهان نیوز از نقش علی آبادی در راه اندازی بانک خصوصی تات خبر داد. به نوشته این سایت، بخشی از سرمایه بانک تات از محل بودجه فدراسیون های ورزشی تأمین شده است. معاون اول احمدی نژاد و ریاست حلقه فساد محمدرضا رحیمی یکی دیگر از اعضای کابینه دولت است که پرونده مالی اش این روزها در دیدرس رسانه ها قرار دارد. او که در دولت نهم عهده دار ریاست دیوان محاسبات اداری کشور بود حال در مقام معاون اول رئیس دولت نه تنها مدرک تحصیلی اش با سؤال های فراوان روبرو است، بلکه ردپایش در برخی از تخلفات اقتصادی و فساد های مالی دیده می شود. داستان فسادهای رحیمی به دوران استانداری او در کردستان باز می گردد که به نام دانشگاه آزاد بخشی از زمین های مردمی را تملک کرده و با چند برابر قیمت فروخته است. به گفته الیاس نادران، محمدرضا رحیمی در اواخر دوره مجلس هفتم در حالی که رئیس وقت دیوان محاسبات اداری بوده است صدها میلیون تومان پول بدون داشتن منبع مالی توزیع کرده است. نادران، همان زمان گفته بود: آقای رحیمی رئیس حلقه فساد در خیابان فاطمی است که نسبت به جمع آوری منابع از محل منابع فاسد و توزیع آن تصمیم گیری می کرده است و اکنون تقریباً همه اعضای این شبکه فاسد اقتصادی در خیابان فاطمی دستگیر شده اند الا معاون اول فعلی رئیس جمهور. احمد توکلی، دیگر نماینده اصول گرای مجلس که پیگیری هایش برای اثبات تقلبی بودن مدرک دکترای رحیمی تا رسیدن به نتیجه ادامه داد در پایگاه اینترنتی الف از نقش معاون اول رئیس دولت در پرونده بیمه ایران خبر داده است. به نوشته این وب سایت: رحیمی در دیوان محاسبات کشور، یکی از مسؤولان اخراج شده شرکت بیمه ایران را که با توصیه یک نهاد امنیتی اخراج شده بود، به عنوان بازرس همان شرکت بیمه تعیین کرد. این نماینده مجلس، در نامه ای به رحیمی نوشت: جناب محمد رضا رحیمی، لابد اطلاع دارید آقایان جابر عبدالی، حمزه نویس و مسعودی در چه شرایطی هستند. من به عنوان نماینده مردم شریف ایران انتظار دارم توضیح بفرمائید که چک های چند میلیارد تومانی و چند صد میلیون تومانی که به حساب شما واریز شده است از چه حساب هائی و مربوط به چه افرادی است؟ هم چنین بر اساس گزارش پایگاه اینترنتی محافظه کار جهان نیوز، رد پای یکی از مسؤولان در باند فساد بیمه کرج دیده می شود، یک چهره جنجالی و مسؤول که دارای اتهامات متعدد فساد مالی و سیاسی است و در حال حاضر دارای مسوولیت است، متهم به همکاری و شراکت با یک باند فساد مالی در بیمه شهرستان کرج است. از دیگر موارد ثبت شده در پرونده رحیمی، توزیع چک های ۵ میلیون تومانی در بین نمایندگان مجلس برای باز پس گرفتن استیضاح کردان بوده است. به گفته سایت اصول گرای الف، رحیمی آمر و طراح نقشه پرداخت چک ۵ میلیون تومانی به نمایندگان مجلس در ازای پس گیری استیضاح علی کردان بود.

مناطق کاملاً آزاد و حمید بقائی داستان فسادهای مالی دولت در منطقه آزاد از دیگر مواردی است که مجلس نشینان تصمیم گرفته بودند تا به تحقیق و تفحص در آن بپردازند. اگرچه این پرونده نیز چون دیگر تحقیق و تفحص ها از دولت در مجلس بایگانی شده اما دستگاه قضائی در ماه های گذشته علاوه بر حمید بقائی، رؤسای مناطق آزاد اروند و ارس را بازداشت کرد. خبرگزاری فارس، از اعتراف آن ها به فساد مالی گسترده خبر داد. هم چنین پایگاه های خبری نزدیک به اصول گرایان از تخلف های گسترده دولت در جزیره کیش خبر داده اند. خبرگزاری مهر و فارس، هم زمان از نقش حمید بقائی و اسفندیار رحیم مشائی در این پرونده خبر دادند. براساس این گزارش، در پروژه ۴۰۰ میلیارد تومانی مجتمع تالارهای بین المللی ایران - کیش طبق توافقی سه نفره با حضور اسفندیار رحیم مشائی، حمید بقائی و ابراهیم عزیزی در تاریخ سوم سرطان سال ۸۹ به صورت ترك تشریفات به شرکت فیاك کیش با مدیریت یحیی فیوضی واگذار

شد که براساس قانون ترك تشریفات، این اقدام روال قانونی را طی نکرده است. براساس افضاءگری هائی که صورت گرفت، پرونده ای علیه بقائی، معاون امور اجرائی دفتر ریاست جمهوری در دستگاه قضائی تشکیل شد.

رئیس سازمان بازرسی کشور که خود در ابتدای دولت احمدی نژاد مقام وزارت کشوری را عهده دار بود، چندی قبل خبر از اختلاس یازده میلیارد تومانی در استانداری تهران داد. به گفته پورمحمدی، این اختلاس در دوران کامران دانشجو و تمدن به وقوع پیوسته است. دانشجو، هم اکنون عهده دار وزارت علوم در کابینه احمدی نژاد است. پایگاه اینترنتی مشرق نیوز، مدتی پیش تصویر نامه ای دیگر از اسفندیار رحیم مشائی به وزیران صنایع و راه را منتشر کرد که خواستار واگذاری شرکت خط و ابنیه راه آهن به گروه صنایع فولادی آریا متعلق به مرد شماره یک اختلاس از نظام بانکی کشور شده است. مشرق نیوز، هم چنین مدعی شده که پروژه اتوبان نور به رامسر با سفارش مشائی به امیر منصور آریا رسیده است. بر اساس این گزارش؛ «سوم اردیبهشت [نور] سال جاری حسب نامه اسفندیار رحیم مشائی، جلسه ای در وزارت راه برگزار و درباره نحوه اجرائی شدن پروژه رامسر به نور در قبال واگذاری سهام شرکت خوزستان توافقات لازم و البته بدون برگزاری هرگونه تشریفات قانونی مزایده و مناقصه صورت می پذیرد. این نامه نشان می دهد که واگذاری پروژه رامسر به نور و هم چنین واگذاری سهام شرکت فولاد خوزستان بدون برگزاری تشریفات قانونی مزایده و مناقصه برگزار شده است.»

یکی از شرکت های مولود سمگا، بانک جدیدالتاسیس «گردشگری» است که در بدو تولد، سرمایه آن از ۲۰۰ میلیارد به ۶۰۰ میلیارد تومان افزایش پیدا کرده است. اسفندیار رحیم مشائی و حمید بقائی جزو اولین سهامداران شرکت سمگا بوده اند و مدیرعامل این شرکت، مهدی جهانگیری، معاون سابق مشائی در سازمان میراث فرهنگی و گردشگری است. بر اساس این گزارش، یکی از رانت های ویژه برای سمگا، واگذاری یک میلیون و دویست و پنجاه و هشت هزار متر مربع از زمین های لویزان در شمال شرقی تهران به این شرکت خصوصی بوده است. برای این واگذاری نه تنها مزایده ای برگزار نشده، بلکه براساس مصوبه هیأت وزیران و صورت جلسه کارگروه میراث فرهنگی استان تهران، کل زمین های فوق باید به صورت رایگان به شرکت خصوصی سمگا واگذار شود. از جمله مزایای دولتی دیگری که به سمگا تعلق گرفته، امتیاز ساخت و بهره برداری از هتل های بین المللی فرودگاه امام خمینی به این شرکت خصوصی بوده است. براساس این قرارداد، شرکت سمگا ۳۱ هزار متر مربع زمین رایگان در محوطه فرودگاه بین المللی امام خمینی دریافت و در آن ها هتل می سازد و ۲۵ سال پس از بهره برداری، هتل ها را به شرکت فرودگاه های کشور واگذار می کند.

پول های نفت مفقود شده بر اساس گزارش سازمان های نظارتی در ایران بخشی از درآمدهای نفتی ایران در دولت نهم و دهم به خزانه واریز نشده است. بهمن ماه [دلو] سال ۸۵ نمایندگان مجلس مدعی شدند که دولت یک میلیارد و ۵۸ میلیون دالر از درآمد های ناشی از افزایش قیمت نفت را به خزانه واریز نکرده است. در سال ۸۹ نیز دیوان محاسبات در گزارشی به مجلس از واریز نشدن ۱۱ میلیارد و ۷۰۰ میلیون دالر از درآمدهای نفتی به خزانه خبر داده است.

رحمان فضلی، رئیس دیوان محاسبات کشور، اخیراً در یک کنفرانس خبری اعلام کرد: دولت ۱۲.۱ میلیارد دالر از درآمدهای حاصل از فروش نفت را به صندوق ذخیره ارزی واریز نکرده است. بر اساس گفته های فضللی، دولت برداشت های غیرمجاز از صندوق ذخیره ارزی و بانک مرکزی هم داشته و تاکنون آن ها را به خزانه بازگشت نداده است. به این تخلفات می توان عملکرد دولت در واگذاری سهام سایپا، سهام عدالت و توزیع پول در بین شهروندان و بذل و بخشش های خارجی و داخلی، اختلاس در بانک ایران ونزوئلا، مسکن مهر و قراردادهای نفتی را اضافه کرد.

در حال حاضر نام «محمد جهرمی» وزیر کار دولت نهم و مدیرعامل سابق بانک صادرات، در پرونده اختلاس ۳ هزار میلیاردی قرار دارد.

تازه ترین نمونه دزدی در حکومت اسلامی این است که یک مقام مسؤول در شهرستان بافت کرمان، حدود یک میلیارد تومان کلاه برداری کرده و دستگیر شده است. البته دادستان عمومی و انقلاب بافت، ضمن تأیید این خبر، گفت: «فردی با منتسب کردن خود به مسؤولان و درج مطالبی در جراید محلی توانسته بود مبالغ هنگفتی به دست آورده و اقدام به اخذی کند که با تلاش سربازان گمنام امام زمان دستگیر شد.» به گزارش ایسنا، (شنبه، ۱۴ ماه دلو ۱۳۹۱ برابر با ۲۳ فبروری ۲۰۱۳)، محمد محقق در این باره افزود: مدارکی که در منزل این شخص کشف شده است، نشان می دهد بسیاری از اسناد و مدارک این کلاهبردار، جعلی بوده است. دادستان عمومی و انقلاب بافت تصریح کرد: این خانم ۲۳ ساله با فعالیت در بخش خیریه برای اهدای مبالغی از دریافتی هائی که از مردم داشته نیز اقدام به کلاهبرداری کرده که با بررسی های اولیه ای که صورت گرفته مبلغ یک میلیارد تومان از یکی از حساب های وی کشف شده است.

به گزارش خبرگزاری مهر، مصطفی پورمحمدی، رئیس سازمان بازرسی کل کشور درباره اختلاس بانک پارسیان به پرسش خبرنگاران پاسخ داد. او، درباره این اختلاس گفت: «بانک پارسیان بخش خصوصی است و دخالت نکردیم و البته در این باره اطلاعاتی نداریم.»

پورمحمدی چهار روز پیش از این گفته بود به مصلحت نیست به برخی از پرونده های قضائی رسیدگی شود یا برخی از احکام قضائی به اجراء دربیاید «چون اجرای برخی احکام در کشور فتنه به پا می کند.»

روز ۱۳ شهریور سال جاری مصطفی پورمحمدی، رئیس سازمان بازرسی کل کشور، از [سرنوشت نامعلوم](#) «بیش از ۱۹ هزار میلیارد تومان» از تسهیلاتی که به بنگاه های زودبازده داده شده خبر داد.

حکومت اسلامی، به تازگی فهرستی شامل «۳۹۰ پرونده با حجم مطالبات معوق ۷۰ هزار میلیارد ریال مربوط به ۱۲ بانک و مؤسسه اعتباری» [منتشر](#) کرده است که این پرونده ها هنوز در انتظار رسیدگی هستند.

غلامحسین محسنی اژه ای، دادستان کل کشور، روز ۱۷ دی ماه [جدی] با اشاره به این فهرست [گفت](#) که «بر اساس بررسی های دقیق، تعداد زیادی از بدهکاران بانکی، مفسد اقتصادی نیستند و تنها بدهکار هستند.»

بانک مرکزی ایران، به تازگی خبر داد که برخی از بانک های ایران چندین مورد از مقررات و قوانین را نقض کرده اند و در این خصوص با صدور بخشنامه ای نسبت به احتمال وقوع برخی تخلفات و سوء استفاده های بزرگ در نظام بانکی کشور در آینده هشدار داد.

به گزارش خبرگزاری مهر، ابراهیم درویشی، معاون نظارتی بانک مرکزی، روز دوشنبه ۱۶ دلو در بخشنامه ای به مدیران عامل کلیه بانک های دولتی، غیردولتی، شرکت دولتی پست بانک و مؤسسه اعتباری توسعه از آن ها خواست از نقض مقررات پرهیز کنند.

او، اعلام کرد: «متأسفانه برخی بانک ها به رغم تأکیدات و تذکرات مکرر بانک مرکزی، مقررات نظارتی و به خصوص مقررات تسهیلات و تعهدات اشخاص مرتبط و تسهیلات و تعهدات کلان را نقض کرده اند.» درویشی، در مورد میزان تخلفات بانک ها و هویت بانک های متخلف توضیحی نداد.

مقامات گمرک المان روز جمعه ۱۳ دلو ۱۳۹۱، اعلام کردند که از چمدان یک مسافر ایرانی چکی به ارزش تقریبی «۷۰ میلیون دالر» کشف و ضبط کرده اند و صاحب این چک بعداً طهماسب مظاهری معرفی شد.

به گزارش خبرگزاری آسوشیتدپرس، مظاهری که ۲۱ جنوری با پروازی از ترکیه به فرودگاه شهر دوسلدورف آمده بود در ابتداً به مأموران این فرودگاه گفته بود که کم تر از ۱۰ هزار یورو (۱۳ هزار و ۶۴۴ دالر) به همراه دارد.

سفیر ایران در ونزویلا، روز سه شنبه ۱۷ دلو ۱۳۹۱ گنت چک ۷۰ میلیون دالری که مقام های المانی در چمدان طهماسب مظاهری، رئیس پیشین بانک مرکزی جمهوری اسلامی، [یافته اند](#) قرار بود برای پرداخت دست مزد کارگران یک شرکت ایرانی در ونزویلا استفاده شود.



به گزارش خبرگزاری آسوشیتدپرس، حجة الله سلطانی، سفیر ایران در ونزوئلا در مصاحبه ای با کانال تلویزیونی «گلوبویژن» ونزوئلا گفت که این چک به ارزش ۳۰۰ میلیون بولیوار ونزوئلایی قرار بود برای هزینه های شرکت «کیسون» استفاده شود.

به گفته او، این شرکت ساختمانی که مقر آن در تهران است مشغول ساخت هزاران واحد مسکونی برای دولت ونزوئلا است.

حال حجة الله سلطانی، سفیر ایران در ونزوئلا می گوید مظاهری که به عنوان مشاور شرکت کیسون کار می کند در حال انتقال پولی بوده که دولت ونزوئلا به این شرکت پرداخت کرده و چک آن به «امضای یکی از مدیران» در ایران رسیده است. به گفته او، این چک از سوی بانک دولتی ونزوئلا، «بانکو د ونزوئلا»، صادر شده و قرار بود در همین بانک نقد شود.

توضیحات سفیر ایران پس از آن بیان شد که رهبران اپوزیسیون ونزوئلا از دولت هوگو چاوز خواستند تا توضیح دهد چک بانک دولتی ونزوئلا با این مبلغ در دست یک شهروند ایرانی چه می کرده است. مقام های المانی اعلام کرده اند که در حال انجام تحقیقات در مورد احتمال پول شویی در ارتباط با این چک هستند و طی ماه جاری در خصوص این چک تصمیم می گیرند.

## مؤخره

آن چه که در بالا به عنوان جنایات حکومت اسلامی، از جمله جنایت های اقتصادی اش اشاره کردیم تنها گوشه هائی از جنایات سران و مقامات و ارگان های حکومت اسلامی به شما می آیند که در کشمکش های جناحی و یا در لابه لای گزارشات ارگان ها و سخنان مقامات حکومتی به رسانه ها درز می کنند. بی شک، بیش از ۹۰ درصد این جنایت پرده پوشی می شوند و علنی نمی گردند.

نهایتاً مجازات اعدام اقدامی است وحشیانه، غیرانسانی و تجاوز به پایه ای ترین حق انسان، یعنی حق حیات است. مجازات هائی چون قطع دست و پا، کور کردن چشم هم غیرانسانی و وحشیانه و باز هم زیر پا گذاشتن کرامت انسانی و قرار دادن چنین انسان هائی در معرض تحقیر و مرگ تدریجی است. در هر دو مورد حقی که از انسان سلب می شود و مهم تر از همه برگشت ناپذیر است. انسانی که اعدام شده و انگشتان بریده و کوری چشم را هرگز هم نمی توان به او برگرداند. این ها هم چون داغی بزرگ و سوزناک نه تنها در قلب و جسم خانواده های قربانیان و خود آن هائی که دست و پایشان بریده شده و یا کور شده اند برای همیشه و تا پایان عمر باقی می ماند، بلکه در جامعه نیز تأثیرات مخربی می گذارد. هنگامی که حکومت قربانی را با تبلیغات در خیابان ها و میدانی شهرها به دار می آویزد؛ در انظار عمومی به افراد شلاق می زنند؛ دست و پا می برند؛ متأسفانه بخشی از مردم هم به هر دلیل با خانواده خود از جمله کودکان شان به تماشای این وحشی گری ها می ایستند رسماً و عملاً خشونت و آدم کشی و قتل را هر چه بیش تر در جامعه تولید و بازتولید می کنند! در آن جامعه ای که ثروت های کلان و منابع سرشار دارد اما بخش عظیمی از مردم آن جامعه، روزبه روز به قعر فقر و گرسنگی سقوط می کنند خشونت، دزدی، بزهکاری و دیگر آسیب های اجتماعی اجتناب ناپذیرند و به هیچ وجه قابل کنترل نمی باشند.

مجازات هائی چون بریدن دست و پا، یا درآوردن چشم، مجازات های بی رحمانه، غیرانسانی و اهانت آمیزی به کل جوامع بشری هستند که بر پایه میثاق های بین المللی، از جمله میثاق منع شکنجه و میثاق بین المللی سیاسی و مدنی، دولت ها حق اعمال این مجازات ها را ندارند. هم چنین بر طبق عهدنامه ۱۹۹۸ م، که پایه دادگاه کیفری بین المللی «دن

هاگ» شد، از موارد جنایت علیه بشریت است و در ردیف «اعمالی غیرانسانی که به درد شدید جسمی یا صدمات شدید به سلامتی و تمامیت جسمی یا روحی منجر شود.»

به این ترتیب، حکومتی که سران و مقامات آن، ادعا می کنند با بگیر و ببند، زندان و شکنجه، دست و پا بریدن، چشم درآوردن و اعدام جلو بزهکاری و دزدی و غیره در جامعه را بگیرند باید گفت که یا سخت در اشتباهند و یا جز زبان زور و کشتار زبان دیگری سرشان نمی شود. دومی شامل حکومت جهل و جنایت و ترور و مافیائی حکومت اسلامی است. این حکومت، در میان خونریزی ها و هزاران جنایتش علیه بشریت به جایی رسیده است که تنها بقای خود را در سرکوب و کشتار شهروندان می ببند. از این رو، کسانی که فکر می کنند این حکومت اصلاح پذیر است سخت در اشتباهند و آب در هاون می کوبد.

اسلام نیز همانند دیگر مذاهب در تاریخ و پیش تر از بقیه، با فتواها و فرمان های خود، کشتار و نابودی مخالفان خود و کفار را صادر کرده است. عمکردهای نخستین حکومت اسلامی در بیش از ۱۴۰۰ سال پیش در شبه جزیره عربستان، به سردمداری آدم کشان و راهزنان و متجاوزین به جان و مال مردم آن دیار، یعنی محمد و علی و عمر و عثمان و ابوبکر و غیره بسیار هولناک و تکان دهنده است. این وحشی گری های آن ها از طریق قرآن، احادیث و فتواهایشان به جانشینان توصیه شده و هم چنان ادامه دارد.

محمد «رسول الله»، علی «شیر خدا» و... پس از غارت اموال و ثروت های قبیله ها و طایفه هائی که در هجوم وحشیانه نیروهایش قلع و قمع شده بودند، به اسراء نیز رحم نمی کردند و زنان و کودکان را به عنوان غنایم جنگی بین خود تقسیم می کردند.

در تاریخ اسلام، آمده است که پیامبر پس از این که قبایل یهودی بی قینقاع و بنی نضیر را به بهانه های مختلف مورد یورش قرار داد و اموال و دارائی های ایشان را غارت کرد به سراغ قوم بنی قریظه رفت: «در جنگ خیبر وقتی کنانه ابن ربیع رئیس یهودیان خیبر و قبیله بنی قریظه به دست مسلمانان افتاد، محمد از وی خواست تا جواهرات و دارائی اش را تحویل او دهد. و چون کنانه مدعی شد که آن ها را برای تأمین هزینه های دفاع در برابر مسلمین فروخته، محمد دستور داد تا او را شکنجه کنند و سرانجام کنانه در زیر شکنجه مخفیگاه جواهرات و دارائی هایش را فاش کرد. به دستور محمد روی سینه او هیزم گذاخته ریختند و او زیر شکنجه جان داد. محمد همان شب با همسر کنانه به نام صفیه جماع کرد.»

این مطلب در تمام تواریخ اسلامی از جمله طبری، ابن هشام، ابن خلدون، بلاذری، ابن اسحاق و... آمده است. این مطلب را در «حیات القلوب یا زندگی محمد» تألیف محمد باقر مجلسی از معتبرترین علمای شیعه می توانید بخوانید. (صفحات ۶۰۲ تا ۶۰۵)

بنابراین، تاریخ اسلامی، تاریخ زن ستیزی، آزادی ستیزی، نقض شدید حقوق کودک، توسعه جهالت، جنایت، ترور و آدم کشی، سانسور و اختناق، غارتگری و تجاوز، شکنجه و اعدام است.

اصل مسأله این است که "حد شرعی" قطع دست دزد در اسلام، از روز نخست، بردگان و فقیران و بیچارگان و آفتابه دزدها را نشانه گرفته بوده است. تاکنون و در طول سی و چهار سال عمر حکومت نکبت اسلامی و الهی نیز این حد شرعی و این حد از توحش تنها در مورد افراد فقیر و گمنام و گرسنه و نگون بخت به اجراء درآمده است. حد شرعی قطع ید در اسلام، با وجود عوام فریبی های روحانیون و مفسران قرآن، هدف امنیت جامعه را در نظر نداشته، بلکه تعرض و دست درازی به مال و ثروت صاحبان سرمایه و قدرت ها را سرکوب می کرده است. وگرنه کلان دزدانهائی که چند نمونه از آن ها را خود حاکمان سرمایه و قدرت در اختلاف های جناحی شان نتوانسته اند پرده پوشی کنند به زبان آورده اند. آیت الله های دزد از خامنه ای و آقازاده اش، از هاشمی رفسنجانی و آقازاده هایش، شیخ محمد یزدی،

امامی کاشانی، مکارم شیرازی، احمدی نژاد و اطرافیانش چون رحیمی و مشائی و صدها مرجع و مجتهد، سردار، نمایندگان مجلس، شهردارها، استاندارها، فرماندارها، امام جمعه‌ها، رؤسای نهادهای مذهبی و غیره، کماکان به غارت سرمایه‌های مردم ایران مشغولند. در حکومت اسلامی ایران، همه سران، مقامات و مسئولین دزدی می‌کنند و ثروت‌های مملکت به هدر می‌دهند. آن‌ها، درآمدها و ثروت‌های کشور را یا به جیب می‌زنند و یا به انحای مختلف حیف و میل به ویژه در عرصه سازمان دهی تروریسم و میلیتاریسم می‌کنند.

به این ترتیب، از جمله قطع دست و پای دزدان در حکومت اسلامی، طبقاتی است. یعنی دزد گرسنه، بیچاره و ناچار و خرده دزد بلافاصله پس از دستگیری دست و پایشان را می‌برند اما چنین مجازاتی هرگز شامل دزدان بزرگ و غارتگران اموال عمومی مردم نمی‌شود. تاکنون شنیده نشده است که حکومت اسلامی کلان دزدها و قاچاقیان را این چنین وحشیانه و غیرانسانی مجازات کند.

آن‌هم در شرایطی که اکثریت مردم ایران در فقر و بی‌کاری و گرسنگی به سر می‌برند دزدی، خشونت، زورگیری، بزهکاری، تن‌فروشی، خودکشی، اعتیاد، طلاق و دیگر آسیب‌ها و بحران‌های اجتماعی که علل اصلی و ریشه آن‌ها را باید در فقر اقتصادی و سیاست‌های کلان حکومت اسلامی مورد بحث و جست و جو قرار داد نه تنها جان و زندگی بسیاری از انسان‌ها را می‌گیرند، بلکه به طور کلی اخلاقیات جامعه را به تباهی کشانده‌اند.

سران و مقامات حکومت اسلامی، مدعی‌اند که هدف‌شان از اعدام و دست و پا بریدن برقراری امنیت در جامعه و جلوگیری از گسترش دزدی و قاچاق و غیره است. در حالی که نگاهی به برخی کشورهای غیراسلامی و مرفه و پیشرفته مانند کشورهای اسکانداوی، که در آن‌ها "حدود اسلامی" اجراء نمی‌شود نیز حاکی از آن است که در آن کشورها، نرخ ارتکاب جرم بسیار بسیار پائین است و دادگاه‌های آنان از نظر مشتریان زیادی ندارند. بنابراین، وحشت، وحشت می‌آفریند و نه امنیت!

در چنین شرایطی، تنها راه حل تأمین زندگی محرومان جامعه و به وجود آوردن اشتغال و برقراری بیمه‌های بی‌کاری، دوران بیماری و سوسیال مفی در جامعه است نه سرکوب و زندان و اعدام. سرکوب و کشتن انسانی‌هایی که خود دچار ده‌ها بدبختی هستند توسط حکومت، عملی شنیع و غیرانسانی و وحشیانه است. به علاوه مهم‌تر از همه، با خشونت و شکنجه و اعدام نه تنها نمی‌توان جلو زورگیری و بزهکاری و تجاوزگری را گرفت، بلکه با اعمال خشونت و بربریت حاکمیت در جامعه، بیش‌تر این بحران‌ها و فجایع در جامعه افزایش می‌یابد.

تجربه‌سی و چهار ساله حکومت اسلامی، در زندانی و شکنجه و اعدام و قطع عضو و شلاق زدن دزدها و بزهکاران، به سادگی نشان می‌دهد که نه تنها اعمال خشونت در اصلاح جامعه کارساز نیست، بلکه خشونت دولتی به گسترش خشونت در جامعه نیز منجر شده است. به علاوه همان‌طور که در بالا تأکید کردیم ریشه همه این بحران‌ها در فقر اقتصادی است بنابراین، با تأمین زندگی شایسته شهروندان، می‌توان جلو بخش عمده این نوع بزهکاری را گرفت. در حالی که حکومت اسلامی در مقابل خواسته‌ها و مطالبات کارگران و محرومان جامعه نه تنها شانه بالا انداخته، بلکه سپاه، بسیج، پولیس و نیروهای سرکوبگر خود را برای سرکوب معترضین اعزام کرده و فعالان جنبش‌های اجتماعی، وکلا، فعالان محیط زیست و مدافعان حقوق کودکان کار و خیابانی و غیره را به زندان و شکنجه و حتی اعدام محکوم کرده است.

جوانانی که شغل ندارند، پول ندارند، امکانات تفریحی ندارند فقط توسط حکومت مورد تحقیر و سرکوب قرار می‌گیرند؛ توسط حکومتیان ارادل و اوباش معرفی می‌شوند؛ در صورت کوچک‌ترین خلاف، حتا حرف زدن دختر و پسر، حکم شلاق در پی دارد با چنین حکومت متجاوز و آدم‌کش چه باید کرد؟ آیا غیر از این است که آن‌ها را به دلیل جنایات بی‌شمار علیه بشریت محکوم کرد و برای برچیدن بساط کلیت آن مبارزه نمود؟!!

بی شک هر کس در میان سران و مقامات و مسؤولین حکومت اسلامی فریاد بزند: «آی دزد، آی دزد»، به دنبال اجرای عدالت و گرفتن دزد نیست، بلکه سهم خواهی بیش تر از هم فکران و هم کیشان دزدش است!